



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۲/۰۱

داکتر صلاح الدین سعیدی

مذاکرات صلح و یک راه حل مشخص!

من زمانیکه در نوشته قبلی تحت عنوان (بُن و دوحه!) نوشتم که: توافقات بُن و مذاکرات دوحه در مقطع معین تاریخی مانند آغاز کار و توافقات جهت راه یابی برای تمرکز اصلی و تصمیم گیرنده اصلی شدن ملت و جهت رسیدن به حاکمیت و اراده ملت و جهت رسیدن به راههای توسل به حاکمیت مشروع تجربه شده بشری یعنی اراده ملت، و در شرایط ما اکثریت ملت مسلمان، در انتخابات آزاد و شفاف قابل فهم، ضرورت و اقدام خوب و یگانه وسیله ممکن در عالم اسباب بود و است. و مشکل زمانی بروز کرد و میکند که این نشستها و تصامیم در چوکات تصامیم و معاملات استخباراتی، با اولویت دادن منافع دیگران، به قیمت پشت پا زدن به عزت و ابروی افغانها و افغانستان، گرفتن تصامیم در مورد ما، بدون ما و ملت افغان را عملاً دور زدن نه درست اند، نه مشروع و نه هم قوت عملی کردن خواهند داشت و تجارب بن باید به اندازه کافی آموزنده باشد.

حال که از جانب امریکایی و عده از تحلیل گران و بخش از مواضع، اجراءات و یا عدم اجراءات نشان میدهد که گویا حاکمیت افغانی مانع صلح و تفاهم نیک جلوه داده شده و گویا امریکا بخاطر یک فرد منافع علیای کشور خود را قربانی نمی کند و

بر جانب حاکمیت افغانی است تا ابتکار عمل را در دست گرفته با ابتکارات مشخص اولاً این اتهام جدی را که گویا مانع پروسه صلح است، با اقدامات و طرحهای مشخص، معقول و حساب شده از بین بردارد. اولاً عدالت حکم میکند که زندانی سیاسی نباید وجود داشته باشد و هرکس حق نظر و موضع خود را باید داشته باشد. اما زندانی سیاسی با مین گذاری و انفجار، انتحار و انسانی گشی از تعریف زندانی سیاسی خارج و مسئله جرم و تشدد مطرح است. زندانی سیاسی با عامل عمل تشدد با هم تفاوت دارند و داشتند. عدم رسیدگی به این قضایا و عدم رسیدگی به حق العبدی و حقوق مظلومان شهید شده و معلول شده و رهایی زندانیان درین مورد بدون توجه به حق العبدی و بی عدالتی بوده و است. اما جانب سوم با جانب سوم توافق کرد و حکومت افغانستان به اجرای آن مکلف و تحمیل شد. این قدم اگر برداشته هم میشد به یک شرط که بر مسئله اساسی توافق صورت میگرفت و آن: اطراف داخل بحث نظام و حاکمیت آینده در افغانستان را چطور تشکیل دادن میخواهند. حاکمیت سیاسی و رسیدن به حاکمیت کل سیاسی و یا بخش آن و داشتن چنین تمامیت خواهی قابل فهم و مشکل ندارد و هر گروه و سازمان برای رسیدن به آن تلاش دارد. صرف داشتن این هدف مشکل ندارد. مشکل زمانی آغاز میشود که جهت رسیدن به آن از چه وسایل استفاده میشود؟ برای رسیدن به آن به معاملات استخباراتی، تفنگ، انفجار و انتحار و یا اراده ملت؟ اگر توافق میشود که ما اراده ملت را اساس میدانیم و مشروعیت تطبیق نسخه ها و امارت اسلامی را از ملت مسلمان خواهیم تا در یک انتخابات آزاد و شفاف و تحت حاکمیت قانون در راه رسیدن به این هدف مقدس کار میکنیم درین صورت نه تنها که زندانیان بلکی دیگر اقدامات به نفع تأمین امنیت و حفاظت از حقوق همه شهروندان و کار برای تحقق اهداف دور و نزدیک باید آغاز میشد. بدون رسیدن به این توافقات ابتدایی رهایی یکجانبه زندانیان و دیگر تنازلات نه درست بود و نه درست است.

و حال که درین جا قرار داریم و کار از کار گذشته چه باید کرد و چگونه میتوان قدم های سالم بعدی برداشت؟ بر تحریک طالبان است تا از شف شف گفتن ها خارج شود و مواضع خود را در قسمت تشکیل حاکمیت آینده روشن بیان کند. بر تحریک طالبان است تا خود را از یوغ پاکستان رهایی دهد ویا اگر برای شان حالا مقدور

نیباشد که نیست، درین راستا بر وسایل و راه های رسیدن خارج شدن ازین یوغ کار کنند. مسلماً مشکلات حرکت طالبان در رابطه شان با استابلشمنت پاکستان برای شان مسأله مرگ و زندگی شان در عالم اسباب نیز است. **برحکومت افغانی است تا به صورت مشخص درین مرحله در پهلوی سایر تدابیر لازم اولاً شورای عالی مصالحهء سیاسی کشور را به صورت ایجاد کند که در ترکیب این شورا افراد و اشخاص خبره، ملی و متعهد به افغانستان حضور پیدا کند.**

تیم مذاکره چی را به تیم ۹ نفری تقلیل داده و در پهلوی شان تیم تخنیکی و تیم رابط متخصصین بین تیم مذاکره چی و تیم شورای رهبری مذاکرات سیاسی ایجاد شود. تیم مذاکره چی مکلف به اجرای تصامیم شورای عالی مذاکرات سیاسی وظایف خود را اجراء خواهد کرد.

درین میان شورای عالی مذاکرات سیاسی خطوط اساسی روشن برای **مذاکرات سیاسی** و فرق آنرا با **مناظره** کشیده و در جریان مذاکرات سیاسی وقت را بر مناظره ضایع نه کند. در مواد ۲۱ فقره ایی که به گمان اغلب بحث های مناظره است باید از اجرای کار خارج شوند. بلی تمرکز بر مناظره، بحث بر صحت و سقم امارت اسلامی و جمهوری و حقوق زنان و مردان و تعلیم و تربیه و سایر نسخه های اطراف قضیه نسخه ها و نظریات هر جانب است که مشروعیت تطبیق آنرا از ملت بدست آورند و باید از بحث در چوکات مذاکرات سیاسی از اجندا خارج شوند. تمرکز اساسی بر آتش بس و تمرکز به میکانیزم رسیدن به صلح پایدار که راه رفتن به ملت و انتخاب ملت است میتواند ما را در عالم اسباب نجات دهد. به این نوع که تمام جوانب و در رأس مرجع اجراییه برای تحقق این کار کنند که چطور ملت افغان تصمیم گیرنده اصلی بر ارزشها و نسخه های مطروحه جوانب مختلف افغانی شود. در قرن بیست و یکم ما راه دیگر جز انتخابات نداریم.

بر حاکمیت افغانی درین مرحله است که اتهامات مشخص مانع بودن مذاکرات صلح را از خود با ابتکارات مشخص دفع و در عمل کار مؤثر نموده و ابتکار عمل داشته باشد. این ابتکار عمل:

حاکمیت افغانی در نشست مشترک هر سه ارگان دولتی به توافق رسید که جهت رسیدن به یک صلح پایدار و مستقر دولت افغانستان پیشنهاد میکند که اگر جانب طالب دست از خشونت بردارد ما برویم برای یک دور آمدگی سه ماهه برای انتخابات پارلمانی زود هنگام. به این مفهوم که در سه الی شش ماه تذکره های الکترونیکی توزیع و سایر تدابیر برای انتخابات آزاد، شفاف و تحت نظارت ملل متحد گرفته شده. کمیسیون انتخابات به توافق همه جوانب ایجاد، نقش سازمان ملل متحد درین پروسه تقویت و چنانچه گفته آمدیم تا شش ماه انتخابات پارلمانی زود هنگام در افغانستان دایر شود. درین انتخابات تمام احزاب و سازمانها برنامه ها و نسخه های خود را به شمول امارت اسلامی را جوانب مختلف مطرح و ملت افغان که اکثریت مطلق مسلمان است به رهنمایی علمای کرام، طالبان و پیشتازان جامعه در انتخاب خویش راه آینده خود را در روشنی کتاب الله و سنت رسول الله روشن خواهد کرد و همان فهم از اسلامی را انتخاب خواهند کرد که مطابق فکر و نظر اسلامی شان است. این پارلمان مطابق امکانات و نتایج دست داشته کار را برای تغییرات بعدی در قانون اساسی کشور و سایر عرصه های سیاسی مهیا خواهد کرد. همچنان توافق شود که در ظرف یک سال باید انتخابات ریاست جمهوری از نو صورت گیرد. بر سایر این توافق منابع معتبر بین المللی تضمین های ارایه کنند.

به فهم و تجربه من برای افغانستان در سیستم اداری کشور تغییرات جدی ضرورت است. ضرورت تا اداره را ارزان، فاصله ها بین حاکمیت و ملت را تقلیل و از بین برد و در از بین بردن حلقات وسطی و اضافی اداره دولتی کار های مشخص عملی را تطبیق کرد. افغانستان به هشت زون امنیتی تقسیم و اداره های ولایتی (والی ها) به تدریج ضعیف و در موارد از بین برده شوند. کار به صورت مستقیم بین مرکز و ولسوالی ها به کمک وسایل و امکانات مدرن امروز تأمین و اداره تحت نظر قانون صورت گیرد. نقش شورا های علاقرداری، ولسوالی، ناحیوی در مسایل اساسی تقویت و تعیین کننده شود. نقش شاروال ها تقویت و بلند برده شده و در موارد یگانه گردد.

تقسیم بودیجه بر اساس نفوس و اهمیت موضوع و نقش فیصدی کوچک از فعالیت های تجارتي محل برای محل در نظر گرفته شود.

انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی به انتخابات پارلمانی منحصر شده و رئیس جمهور توسط پارلمان با شرایط مشخص انتخاب و مسأله سبکدوشی رئیس جمهور با میکانیزم بس پیچیده در نظر گرفته شود. تا از یک طرف انتخابات متعدد از بین رفته، با انتخاب رئیس جمهور توسط پارلمان، مغز آگاه تر در انتخاب رئیس جمهوری کار کند و از جانب دیگر استقرار قوت لازم رئیس جمهوری به نحوی نگه داشته شود که میکانیزم سبکدوشی آن پیچیده در نظر گرفته شود.

اگر این همه تغییرات ساختاری با تفصیل متعدد آن بدون تقویت و بلند بردن متناسب ارگانهای عدلی و قضایی صورت نه گیرد سبب از هم باشیدن کشور نیز شده میتواند. لذا تقویت حاکمیت قانون باید جز لایتجزای این پروسه گردد.

لذا این سفارش ها گوشه از سفارش های است که برای افغانستان قوی و انکشاف یافته، دارای صلح و استقرار و افغانستان شاهرک منطقه و افغانستان وصل منطقه، چکیده و ریخته بیان داشتیم که بحث مرکزی این نوشته همان گرفتن ابتکار از جانب حاکمیت افغانی مقیم کابل است که برای رسیدن به افغانستان مستقر و با امن، ابتکار اعلام انتخابات آزاد و شفاف پارلمانی و ریاست جمهوری قبل از وقت میباشد. اگر جانب حرکت طالب دست از تشدد و افغان کشی بردارد و حاکمیت افغانی نیز درین راستا اقدامات متناسب کند. اگر از روشهای درست، منطقی، تجربه شده و علمی کار گرفته شده ما به صلح و استقرار مطلوب ان شاء الله تعالی رسیده میتوانیم.

و اگر کمان کان به عزت و ابروی ملت افغان درین حل اعتنا نه شود، عواقب بسیار بدی برای مردم ما، برای دوستان افغانستان خواهد داشت.

برماست تا با تواتر و پیهم درین پروسه کار جدی کنیم. هر آتش بس که آماده گی برای جنگ دیگر شود و یا طولانی گردد، درد ما و جامعه ما و درد جهان را دوا نه خواهد کرد و عملاً موجب تجزیه افغانستان خواهد شد. افغانستان کما کان به نقش تخته خیز جنگهای دیگران باقی خواهد ماند، و این مردود و قابل قبول نیست. تا دیر نه شده، ملت افغان و خاصتاً پیشتازان جامعه افغانی باید در صف اول بدون توقف با افشاء گری ها و تنویر لازم و دوامدار ادای رسالت کنند.

و ما علینا الا البلاغ المبین -
داکتر صلاح الدین سعیدی
2020/12/01
00447886474638